

The Introduction and Critical Analysis of *Über den Prozess der Zivilisation*

Hamid Ebadollahi Chanzanaq*

Hadi Qolipur**

Abstract

The celebrated German sociologist, Norbert Elias, in his magnum opus, *Über den Prozess der Zivilisation*, through a long-term social-historical analysis, recasts the processual configurations of manners since Renaissance, searching how the Europeans came to be known 'civilized.' A group of renowned scholars of Elias, then his editors of the English translation, edited the Edmund Jephcott's fine translation in 1999, *The Civilizing Process*, and put the long introduction written by Elias thirty years after the first publication, in 1968, at the end of the edited version, as a Postscript. The Persian translation of *The Civilizing Process* appeared in 2018 by Qolam Reza Khadivi. We seek to do a contrastive analysis based on the Persian translation of the English version, whilst Khadivi claims he has translated from the original German text. The available Persian translation is incomplete since the preface, first volume, postscript, appendix, and most of the author's notes have not been translated yet. As our scrutiny shows, the Persian translation of *The Civilizing Process* has so many formal problems, it lacks consistency and does not pursue a good norm of wordage, in addition to numerous written and editorial mistakes.

Keywords: The Civilizing Process; the History of Manners, State Formation, Court Society; Feudalization

* Associate Professor, Social Sciences Department, University of Guilan, sociologicalpapers@gmail.com

** Ph. D. Candidate, Social Sciences Department, University of Guilan (Corresponding Author)
Hadi.Qolipur.1983@gmail.com

Date received: 2020-10-03, Date of acceptance: 2021-01-20

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

معرفی و نقد کتاب فرآیند متمدن شدن

حمید عبداللہی چندانق*

هادی قلی‌پور**

چکیده

نوربرت الیاس، در کتاب فرآیند متمدن شدن، تاریخ شکل‌گیری آداب و رسوم مدرن را در پژوهشی نوآورانه بررسی کرده، نشان داده است که چگونه از دوره‌ی رنسانس به بعد، انسان غربی به موجودی «متمدن» تبدیل شده است. در سال ۱۹۹۹، جمعی از الیاس-پژوهان خبره، ترجمه‌ی انگلیسی فرآیند متمدن شدن را ویرایش کردند و مقدمه‌ی جدیدی را که الیاس در سال ۱۹۶۸ بر این کتاب نوشته بود، در پی نوشت آوردند. در سال ۱۳۹۷، چاپ دوم ترجمه‌ی فارسی این کتاب با عنوان در باب فرآیند تمدن به ترجمه‌ی غلامرضا خدیوی در انتشارات جامعه‌شناسان منتشر شده است. در این مقاله، ترجمه‌ی فارسی با ترجمه‌ی انگلیسی کتاب، بررسی مقابله‌ای شده است. اینطور که به نظر می‌رسد، به‌رغم ادعای مترجم فارسی مبنی بر ترجمه از متن اصلی آلمانی، منبع ترجمه همان ترجمه‌ی انگلیسی کتاب است. مترجم، تنها جلد دوم کتاب را ترجمه کرده، و مقدمه، جلد اول، پی-نوشت، پیوست، و عمده‌ی یادداشت‌های نویسنده هنوز به فارسی ترجمه نشده است. مرور اندیشه‌ی جامعه‌شناختی الیاس و جایگاه او در نظریه‌ی جامعه‌شناختی معاصر هم البته بخشی معتابه از نوشته‌ی ماست. بررسی ترجمه، نشان‌دهنده‌ی مشکلات صوری و محتوایی از جمله عدم یک‌روندی در ترجمه، واژه‌گزینی نامأنوس و دیریاب، و عدم رعایت قواعد نگارشی و ویرایشی است.

* دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان، sociologicalpapers@gmail.com

** دانشجوی دکتری، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)، Hadi.Qolipur.1983@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

کلیدواژه‌ها: فرآیند متمدن‌شدن، تاریخ آداب، صورت‌بندی دولت، جامعه‌ی دربار، و جامعه‌پیدایی دولت.

۱. مقدمه

۱.۱

آراء نوربرت الیاس (۱۸۹۷-۱۹۹۰) اهمیتی قابل توجه در نظریه‌ی جامعه‌شناختی معاصر دارد. وجه مشخصه‌ی رویکرد الیاس در پژوهش جامعه‌شناختی، استفاده‌ی گسترده‌ی او از داده‌های تاریخی دقیق و مفصل است، به گونه‌ای که حتی ظریف‌ترین پرسش‌های نظری، به شیوه‌ای کاملاً انضمامی بیان می‌شوند. جامعه‌شناسی او از این نظر، می‌توان گفت، پسافلسفی است. الیاس با چرخاندن لنز جامعه‌شناختی خود از کلان‌موضوع مدرنیته، و با طرد بسیاری از سرمشق‌های چیره‌ی جامعه‌شناسی که او آن‌ها را یک‌جانبه، ایستا، اقتصادباورانه، فرجام‌شناختی، فردباورانه، و زیاده‌عقل‌باورانه می‌خواند، به چیزی جز «وضع بشر» نمی‌اندیشید. جامعه‌شناسی الیاس بارها از جریان اصلی روان‌شناسی، تاریخ و فلسفه دور است؛ گرچه الیاس علوم مزبور را در پژوهش‌های‌اش به سطوح بالاتری از آنچه بودند، برمی‌کشد (Kilminster, 2007: 3).

الیاس در آثارش به موضوعاتی گوناگون چون مرگ (Elias, 1985)، زمان (Elias, 1992)، ورزش (Elias & Dunning, 1986)، و هنر (Elias, 1993) می‌پردازد. نخستین آثار الیاس، جامعه‌ی دربار و فرآیند متمدن‌شدن، که هر دو در دهه‌ی ۱۹۳۰ نوشته شده، حاوی عمده‌ی مطالبی هستند که جامعه‌شناسی او را از سایر آثار کلاسیک این رشته متمایز می‌کنند. در فرآیند متمدن‌شدن، الیاس به مسئله‌ی رابطه‌ی بین انسان منفرد و شکل‌گیری شخصیت او با ساختارهای گسترده‌ی جامعه می‌پردازد؛ در جلد نخست، او روایتی مشروح از تحول تاریخی روش‌ها، آداب، و رفتار متمدنانه از اوائل قرون وسطی تا سده‌ی نوزدهم ارائه می‌دهد و در جلد دوم، به بررسی تحول دولت اروپایی طی همین دوره می‌پردازد. الیاس در جلد نخست، به چگونگی انجام فعالیت‌های زیستی روزانه چون خوردن، ادرار کردن، اجابت مزاج، تُف کردن، خوابیدن، و رفتارهایی که امروزه آزارنده یا شرم‌آور به نظر می‌رسند، می‌پردازد. آنچه الیاس، نظرورزانه، با دست‌کم توده‌ای از شواهد متقن تاریخی، طرح می‌کند این است که تغییرات فردی در چارچوب فرآیندهای درهم‌تنیده و پیچیده‌ی ساختار اجتماعی رُخ می‌دهند؛ فرآیندهایی پیچیده که از گسترش قدرت دولت -ورای کاربرد

مشروع خشونت و کنترل انحصاری مالیات - تا افزایش سطوح تقسیم کار، گسترش زندگی شهری و تجارت، توسعه‌ی دیوان‌سالاری، و افزایش جمعیت را در بر می‌گیرد. فرآیند متمدن شدن که ملازم با شکل‌گیری فردیت و فردباوری مدرن است، از خلال صورت‌بندی ساختار اجتماعی پیش‌گفته، منجر به «درونی» سازی محدودیت‌هایی می‌شود که می‌توان گفت، در اصل، «بیرونی» بودند (ادگار و سجویک، ۱۳۸۹: ۳۲). این همترازی (balance) نیروهای درونی و بیرونی که در بستری از تغییرات بلندمدت رخ داده، با توسعه‌ی استانداردهای کنترل خود (standards of self-restraint)، زمینه‌های کاربرد مشروع خشونت را فراهم می‌آورد (Goudsblom, 1989: 722). درست از خلال چنین تغییریست که همترازی محدودکننده و پرورشی افراد، از آن تفوق (preponderance) بیرونی (Fremdzwange)؛ قیود کنترلی رفتار از جانب دیگران) به کنترل‌های درونی (Selbstzwange)؛ قیود کنترلی رفتار از جانب خود)، یعنی با بازتابشی از بیرون به درون، تحول می‌یابد. الیاس در *فرآیند متمدن شدن*، این قیود را فی‌الحال، خودبه‌خودی‌تر، یکنواخت‌تر، و حتی فراگیرتر می‌داند: تلون مزاج (volatility of moods) در این دوره به مراتب از دوره‌ی قرون وسطی کمتر شده بود، و استانداردهای رفتاری همانطور که از حوزه‌ی عمومی به خصوصی می‌رفت، همه‌ی انسان‌ها را فارغ از پایه‌ی اجتماعی در بر می‌گرفت (kilminster&Mennell, 2011: 28).

۲.۱

الیاس، فرهنگ اروپایی را در سده‌ی نوزدهم، نسبت به فرآیندی که منجر به شکل‌گیری آن شد، فراموش‌کار می‌داند: نوعی «فراموشی گزینشی». معیارهای تمدن اروپایی، از این نظر، چونان معیارهایی با مشروعیت غیرتاریخی و جهان‌شمول، به دیگران مستعمرات و طبقات زیردست جوامع اروپایی - تحمیل می‌گردد (Elias, 2000: 70). الیاس بر آن است که تصویر انسان در فلسفه‌ی روشنگری - فی‌المثل در فلسفه‌های دکارت و کانت - صرفاً محصول آن دوره بوده، و ابدأ تصویر عام نیست، گرچه خود را چون فراداده‌ای جهان‌شمول معرفی می‌کند. عقل‌باوری و فردیت دکارتی، یا در واقع کانتی، بازتابی از شیوه‌ی انسانی تجربه در دوره‌ی پسارنسانس اروپاست. الیاس، انسان دکارتی را در برابر «انسان‌های گشوده» (homines aperti)، «انسان بسته» (homo clausus) می‌نامد - تحلیل جامعه‌شناختی، در پی گزارش شرایط شکل‌گیری انسان گشوده است (ادگار و سجویک، ۱۳۸۹: ۳۳). الیاس، به تأسی از اپیکور، آموزش و پرورش نفس را طرحی از برای فراوری عادت‌واره‌ها (habitus)

می‌داند. او از نظریه‌ی دوستی (friendship) و طبیعت (nature) اپیکور، مفهوم «انسان گشوده» را البته با تعیینی جامعه‌شناختی به دست داد (Evers, 2013: 68). در میان شبکه‌ای از آداب و رسوم درباری، درباریان مجبور بودند تا با پرورش حساسیت نسبت به رفتارهایی که در خوردن و صحبت کردن و پوشیدن، «موجه» به حساب می‌آمد، دائماً مراقب حال خود باشند؛ اینکه چطور بپوشی، نگاه‌کنی، ارتباط‌بگیری، حرف‌بزنی، و دیگری را به این کارها واداشته یا از آن‌ها بازداری، خود به هنری تبدیل شده بود. درست است که این الگوی نسبتاً عام کنترل رفتار را در دیگر تواریخ هم می‌توان دید، لیکن، الیاس در رفتارهای درباری شدتی از «هرمنوتیک خود» می‌یافت که نظیری در دیگر جای‌ها نداشت. الیاس، این فرهنگ خلیقات درباری (ethos) را در ادبیات، نمایش، و حتی در باغ‌های درباری فرانسه هم می‌بیند. الیاس، نمود برجسته یا می‌توان گفت «نمونه‌ی آرمانی» چنین مراقبتی را در فلسفه‌ی دکارت و پیروان او می‌بیند که تصویر «انسان بسته» (homo clausus) را در کاملترین نوع خود ارائه می‌دهد: «می‌اندیشم، پس هستم!» (kilminster&Mennell, 2011: 26) از نظر الیاس، این گزاره‌ی مشهور دکارتی، تنها ایده‌ای فلسفی نیست، بلکه بیانگر تجربه‌ی درونی طبقات بالای جوامع اروپایی از دوره‌ی رنسانس و جنبش دین‌پیرایی (Reformation) به بعد است (Elias, 2010: 41).

اگر آنگونه که الیاس در *فرآیند متمدن‌شدن و آلمانی‌ها* نشان می‌دهد، به اختلاف فرهنگی آلمانی‌ها با فرانسوی‌ها در ترجیح *Kultur* آلمانی بر *civilisation* فرانسوی دقت کنیم، و البته مشتقات *civilisation* را در صورت‌های *civilite*، *civite*، *civilise* و *politesse* پیش چشم آوریم، آنگاه درمی‌یابیم که اولین مایه‌ی اختلاف این دو مفهوم تاریخی در ایده‌ی «حرکت» (motion) نهفته است؛ *civilisation* یک پروسه‌ی تاریخی یا حداقل، محصول آن را نشان می‌دهد، درحالی‌که اولین ویژگی *Kultur* تعیین «حدود» فرهیختگی است. الیاس در برابر *Kultur* یا به تعبیر او همان «امر جزئی» کانت، از «شدن» (becoming) یا همان «امر کلی» دفاع می‌کند (Mandalios, 2003: 66). از نظر الیاس، طبقه، نژاد، و جنسیت، مفاهیمی سیال هستند که بیش از هر جا ماهیت متغیر خود را در طرح هویت‌یابی (Identification) نشان می‌دهند. پاسخ به این پرسش که «فلانی چگونه (kind) آدمی است»، احتمالاً با نسبت‌دادن موقعیت «بودن» او به برآمدن کاپیتالیسم یا تعیین شرایط زندگی او در اقتصاد و سیاست لیبرال-دموکراسی ممکن نیست؛ او به مثابه‌ی محصول تغییرات پُرشمار تاریخی، صاحب ویژگی یا می‌توان گفت خلیقاتی است که از ارتباط «خود» (self) با بدن، طبیعت بیرونی (یا

the environ)، دیگری (یا outsider)، و در نتیجه‌ی همین تاثیرات (affects) متقابل پدید آمده است. *ratio* در مقام ماده‌ی تعقل (reasoning)، پایه و مایه‌ی همان کیفیتی است که با جامعه-پیدایی (sociogenesis) استانداردهای جدید مدنیت بشر، شکل‌گیری دولت و، در نتیجه، روان‌پیدایی (psychogenesis) تغییرات فردی، زمینه‌ی درک نظام و نهادهای اجتماعی را فراهم می‌آورد. در هستی‌شناسی اجتماعی الیاس، هرآنچه «حیات درونی»، «شخصیت»، «روح»، و «خود» خوانده می‌شود، متداعی مناد (بسته‌ی) لاینبتیزی و سوژه‌ی کانتی و کوگیتوی دکارتی یا همان «انسان بسته» (homo clausus) است (Ibid.: 67).

۳.۱

از نظر الیاس، پاسخ به پرسش‌های فلسفی یا به دست دادن صورت‌بندی درستی از آن‌ها، تنها از طریق تأمل انتزاعی صرف ممکن نیست، چه، چنین تأملی، به‌مثابه‌ی امری مفروض از زندگی روشنفکری و احساسی بشر، خود داده‌ای تاریخی است؛ فی‌المثل، زمان -این عالی‌ترین پرسش مابعدالطبیعی-، نه یک هستی عینی -طبق طبیعت‌باوری مابعدالطبیعی-، و نه شرط مابعدالطبیعی وجود انسان -طبق دریافت کانتی-، بلکه پدیده‌ای اجتماعی است: زمان، نمادی است که چون عامل هماهنگی توالی‌های متغیر، توالی فعالیت‌های اجتماعی را تسهیل می‌کند و، از این رو، تجربه‌ی زمان با توجه به پیچیدگی (شکل‌گیری) جامعه و درونی‌سازی این پیچیدگی توسط افراد، از این جامعه به آن جامعه متفاوت خواهد بود (ادگار و سجویک، ۱۳۸۹: ۳۳). الیاس در مصاحبه‌ای، طرح پژوهش‌اش را چنین تدقیق می‌کند:

اعتقاد راسخ من همواره این بوده که معمای تصویر ما از دنیای اجتماعی‌مان، نیز موقعیت ما در این دنیا، بسیار ساده خواهد شد اگر دریابیم، بشر اینطور نیست که از جنبه‌ای اقتصادی، از جنبه‌ای دیگر سیاسی، و از جنبه‌ای دیگر هم روان‌شناختی باشد؛ به تعبیری دیگر، هیچ‌کدام از تقسیم‌بندی‌های واقعی با آن تقسیم‌بندی‌هایی که ما از گذشته می‌شناسیم، [به منظور تحلیل وضعیت] نمی‌خواند (Elias, 1970: 148).

به نظر می‌رسد، طرح پژوهش تجربی الیاس در رابطه‌ای که او بین تغییرات بلندمدت کُلی همترازی قدرت (power balance) در جامعه از سویی، و تغییرات در صورت‌بندی عادت‌واره‌های (embodied habitus) افراد -شکل‌گیری شخصیت فرهنگی- از سویی دیگر، می‌جوید، بهتر از هر جا در این مصاحبه بیان می‌شود. الیاس معتقد است که پژوهش تاریخی

رابطه‌ی بین قدرت، رفتار، و عادت‌واره، با انگاره‌ای که او آن را حال-محور (hodiecentric) می‌خواند، عملی نیست. الیاس با نقد مبادی خرد جامعه‌شناسی که آن را با طعنه philosophoidal می‌نامید، طرحی از نظریه‌ی جامعه‌شناختی (sociological theory) در عوض نظریه‌ی اجتماعی (social theory) به دست داد که مبتنی بر دریافت ویژه‌ی او از نظریه‌ی دانش بود؛ نوعی استعاره‌ی مکینیه که با نقد پیش‌فرض‌های سنتی نظریه‌ی اجتماعی، و زیربنای معرفت‌شناختی و فلسفه‌ی علم پیرو آن، «نظریه‌ی اجتماعی»، به معنایی که در آثار گیدنز و الکساندر و هابرماس می‌توان دید، نیست. از میان پانتئون جامعه‌شناسان هم‌عصر با الیاس، کار او تنها به پی‌یر بوردیو شبیه است، چه، بوردیو هم چون الیاس، منتقد پولاریته‌های ایستا (static polarities) و دوگانه‌های کاذب بود (Kilminster&Mennell, 2011: 14). اگر رابطه‌ی بین ساختار و کنش را در اندیشه‌ی بوردیو، تعینی یک-طرفه از ساختار «به» کنش بدانیم، نیز رابطه‌ی بین ساختار و عاملیت را در اندیشه‌ی او، تعینی دو-طرفه از ساختار «به» عاملیت و برعکس، آنگاه می‌توان طرح رابطه‌ی الیاس را که از رابطه‌ی دو-طرفه‌ی کنشگر «با» کنشگر، پروسه‌ی اجتماعی شکل می‌گیرد، به‌نوعی، طرح تکمیلی نظریه‌ی بوردیو دانست. همانطور که نابرابری اجتماعی، سلطه، و خشونت نمادین را هم در اندیشه‌ی بوردیو، می‌توان تکمیل‌کننده‌ی مباحث الیاس برشمرد (Depelteau, 2013: 5-280). اخیراً، جامعه‌شناسان تاریخی، الیاس را همراه با میشل فوکو در بحث از سوژه‌ی مدرن و شرم، همراه با کارل مانهایم در بحث از جامعه‌شناسی معرفت و ساختارهای آگاهی، همراه با آدورنو، البته به تأسی از اریش فروم، در بحث از شخصیت/اقتدارگر و روان‌شناسی اجتماعی اقتدارگرایی، همراه با زیگموند باومن در بحث از فردیت‌یابی و ادغام و دوری-گزینی اجتماعی، و همراه با گابریل تارد و زیمل و بوردیو و لومان و دُلوز و لُتور در بحث از جامعه‌شناسی رابطه‌ای آورده‌اند (Dolezal, 2015; Kilminster, 2007; Berard, 2011; Powell, 2011; Depelteau, 2018).

با این همه، موقعیت‌یابی (placing) الیاس در شبکه‌ای از سنت‌های فکری جامعه‌شناختی، احتمالاً سخت‌ترین کار ممکن است؛ از پدیدارشناسی و نظریه‌ی ساخت‌یابی و مارکسیسم تا نظریه‌ی کنش و کارکردگرایی و نحله‌های وبری و رئالیسم انتقادی و نئوپوزیتیویسم. درست است که در آثار الیاس، می‌توان خطوط موازی آشکار و نهان، مفاهیم تقلیدی و مشابه، و حتی پروبلماتیک‌هایی مشترک با سنت‌های جامعه‌شناختی پیش-گفته دید، لیکن آنچه او را در جایگاهی متفاوت بلکه ممتاز، می‌نشاند، همان آورده‌ی

(contribution) منحصربفرد اوست: فراورده‌ای نظری-تجربی که با فراتر رفتن از تحلیل مفهومی صرف، موفق‌ترین طرح تلفیقی خرد-کلان در جامعه‌شناسی اروپایی است (Kilminster&Mennell, 2011: 19, 20). الیاس، برخلاف پارسونز و هابرماس و بوردیو که بارها درباره‌ی منابع فکری‌شان سخن گفته‌اند، تنها یک جا، در زیرنویسی از جلد اول *فرآیند متمم‌ن‌شدن*، به زیگموند فروید با این قید: «تفاوت‌هایی است بین رویکرد کُلی فروید و آنچه ما در این تحقیق در پیش گرفته‌ایم»، اشاره می‌کند. او به جای «پریدن از این شاخه به آن شاخه‌ی جدل با دیگران»، ترجیح می‌دهد تا «منظر فکری ویژه‌ای را به روشن‌ترین شکل ممکن بسازد» (Elias, 2000: 7-526).

به هر حال، اگر تبار فکری الیاس را در متن جریان‌های نظری جمهوری وایمار بجوئیم، در ارتباطی با برادران وبر، زیمل، ویلن، فروید، زومبارت، لوکاچ، یاسپرس و آرنست، به نظر می‌رسد، خاستگاه فکری الیاس چیزی جز Wissenssoziologie آلمانی نیست؛ الیاس این سنت را درون مسیری از تحقیق تجربی به پیش می‌برد. رویکردهای به ظاهر متباین نظری در آثار الیاس به «سنتزی عملی» می‌رسد-مدلی آزمون‌پذیر از وابستگی‌های متقابل بشری. پیرو چنین برنامه‌ی پژوهشی درخشان، الیاس، که وارث مسئله‌های پژوهشی اذهان فرهیخته‌ی پیش‌گفته بود، موفق شد آنچه را آن‌ها طرح کرده بودند یکجا در طرح تحقیق خود به سامانی نیرومند برساند: مباحثی پیرامون ولخرجی متظاهران‌ی نخبگان، تحولی که در انحصار وسایل خشونت پیدا شده بود، عقلانی‌شدن، الگوهای مساوات اجتماعی، رقابت، تمایزیابی و ادغام اجتماعی، انگاره‌ی درونی‌سازی آنچه بیرونی‌ست، و گسترش روحیه‌ای مدنی که در کار مراقبت همیشگی از خود است. الیاس به تدقیق مفهومی مباحث پیش‌گفته نمی‌پرداخت تا بخواهد وجوه تفاوت تحلیل خود را با تحلیل همین مفاهیم توسط دیگرانی در سنت‌های فکری رقیب نشان بدهد؛ کار او، در عوض، سنتزی بود درخشان از مفاهیم و داده‌های تجربی، در «زمین» تاریخ (Kilminster&Mennell, 2011: 20).

۴.۱

در مجموع، خطوط اصلی سنخ‌نمای کار جامعه‌شناختی الیاس را در مقایسه با دیگر جامعه‌شناسان، احتمالاً می‌توان اینگونه تصویر کرد:

الف) جامعه‌شناسی که برای مدتی مدید در حاشیه‌ی اساتید گُرسی‌دار، غریبه‌ای دانشگاهی باقی ماند؛ الیاس، فرصتی یافت تا، خوب یا بد، فارغ از الزامات نهاد آکادمی علوم

اجتماعی، آنطور که خود می‌خواهد آزادانه بیندیشد. ساختار غریب آثار الیاس، نشانه‌ای‌ست از این آزادی. خواننده در آثار الیاس با مرور ادبیات تحقیق و مقدمه‌ی نظری روبه‌رو نمی‌شود. الیاس، در عوض، یکراست به قلب مسئله و موضوع پژوهش‌اش می‌زند؛ چه نشانه‌های فرهنگی و نهادهای علمی و اتوپیا‌های اجتماعی، چه موتسارت و زمان و خشونت و ورزش و کار و سالخوردگی و مرگ (Ibid., 22).

ب) الیاس، مخصوصاً در آخرین آثارش، به‌ندرت به آثار دیگران ارجاع می‌دهد؛ ارجاعی هم اگر هست، فی‌المثل به کتابی‌ست قدیم با موضوعی عجیب و باز به سبکی که الیاس آن کتاب را می‌خواند! خوب است بدانیم که کسی نمی‌تواند الیاس را به غفلت از منابع «جدید» و توجه بیش از حد به منابع «قدیم» متهم کند، چه، او در برابر رویه‌ای که به فیتیشسم ما با منابع جدید می‌انجامد، احتمالاً از بهترین صورت‌بندی مسئله‌ای معتابه در کتابی قدیم، در مقایسه با کتابی *à la mode* دفاع خواهد کرد (Ibid.).

ج) سبک نگارشی (écriture) الیاس، چنانکه وُلف لُپنی به‌درستی برشمرده، «نوشتاری-ست فارغ از ژارگون‌ها، تمرینی‌ست دقیق در مشاهده‌ای جامعه‌شناختی، و ترکیبی‌ست تمام-عیار از مباحث نظری و ارجاعات عجیب‌وغریب به حتی کوچک‌ترین داده‌های تجربی». الیاس، با لحنی آرام، به‌شیوه‌ای درباره‌ی پروسه‌های اجتماعی می‌نویسد که اثری از «ازخودبیگانگی» و «متافیزیکی ایستا» در نوشتارش باقی نمی‌ماند. او از «نهادهای حزبی» به جای «امر سیاسی»، «کارورزان اقتصادی» به جای «حوزه‌ی اقتصادی»، و «کارشناسان اجتماعی کنترل خشونت» به جای «آپاراتوس‌های دولتی سرکوب» سخن می‌گوید (Lepenes, 1978: 15).

د) با غور در آثار الیاس، در می‌یابیم که او کمتر از مباحث منطقی معمول در جهت اثبات ادله‌ای استفاده می‌کند؛ در عوض، الیاس (مخصوصاً در آخرین کتاب‌ها و مقاله‌ها، و البته در بازنگری‌اش از *فرآیند متمدن‌شدن*) خواننده را به تأمل در مقوله‌ها و فرضیات پایه‌ای هر نوشتاری از این نوع وا می‌دارد. خواننده در *فرآیند متمدن‌شدن* درست همانطور که با مدل نظری و مفاد تجربی یکه‌ای روبه‌رو می‌شود، تجسم عینی نوعی اقناع تجربی محکم را هم می‌بیند که در تحلیل آخر، نمی‌توان آن را «عقلانی» خواند. خواننده‌ی *فرآیند متمدن‌شدن* که به مشاهده‌ی تصویرپردازی زنده‌ی الیاس از قضای حاجت، تُف‌کردن، بادول‌دادن، شکنجه، سوزاندن گربه‌ها، و مواردی از این دست نشسته، از خلال این تجربه‌ها که محرک انواعی از احساس شرم، اشمئزاز، و حساسیت در ماست -تاثیراتی برآمده از استانداردهای

امروزی جامعه‌ی بشری - به مظنه‌ای در سنجش «توسعه»ی فرهنگی جامعه در طول تاریخ دست می‌یابد. واکنش ما از روی شرم و خجلت و آشفتگی به نوشتار الیاس، شاهده‌ست از همان تغییر اجتماعی و فرهنگی که او در حال گزارش تاریخی آن است (Kilminster&Mennell, 2011: 22). از این ویژگی‌های آثار الیاس، باید ردی دقیق و منحصر به او، در ترجمه‌ی کتاب‌ها و مقالاتش به هر زبانی باقی بماند.

۲. بررسی انتقادی ترجمه‌ی فارسی *فرآیند متمدن شدن*

۱.۲

باری، ترجمه‌ی فارسی *فرآیند متمدن شدن* که مترجم فارسی، غلامرضا خدیوی، آن را به عنوان اصلی در باب *فرآیند تمدن* و عنوان فرعی بررسی‌هایی در تکوین جامعه‌شناسی و روان‌شناختی آن برگردانده، در سال ۱۳۹۷ در ۲۰۰ نسخه به همت انتشارت جامعه‌شناسان به چاپ دوم رسیده است. گفتنی‌ست که ترجمه‌ی فارسی اثر، تنها جلد دوم را یعنی *تمدن* و صورت‌بندی دولت یا آنگونه که مترجم برگردانده، تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی، طرحی برای یک نظریه‌ی تمدن شامل می‌شود. به نظر می‌رسد، هنوز از بزرگترین اثر الیاس، به زبان فارسی ترجمه‌ای ارزنده در دست نیست؛ چه، با بررسی مقابله‌ای ترجمه‌ی فارسی، درمی‌یابیم که روش مترجم در ترجمه، قواعد نگارشی و صوری، یک‌روندی سیاق ترجمه، نیز نحوه‌ی واژه‌معادل‌گزینی و اصطلاح‌شناسی و مرجع‌شناسی، همه ایراد اساسی دارد.

۲.۲ روش مترجم در برگردان *فرآیند متمدن شدن*

چنانکه در مقدمه‌ی مترجم آمده، غلامرضا خدیوی، با توجه به حجم کتاب و مشکلات نشر، ابتدا جلد دوم را که به شکل‌گیری دولت و نظام مالیات‌ها و نحوه‌ی انحصار آن می‌پردازد، ترجمه کرده، و ترجمه‌ی جلد اول را که شامل منابع تاریخی الگوهای ذهنی و رفتاری، و سیر تطور این الگوها ضمن تحولات کلان اجتماعی‌ست، به آینده موکول می‌کند؛ مترجم، مدعی‌ست که این شیوه با تجربه‌ی ترجمه‌ی انگلیسی کتاب، هم‌خوان است. این ادعا اما با واقعیت نمی‌خواند. ترجمه‌ی جلد اول *تاریخ آداب (The History of Manners)* - از اصل آلمانی کتاب که در ۱۹۳۹ به چاپ رسیده و در ۱۹۶۸ مورد بازبینی نویسنده قرار گرفته، در ۱۹۷۸، و ترجمه‌ی جلد دوم *تمدن و صورت‌بندی دولت (State*

Formation and Civilization) - از اصل آلمانی کتاب که در ۱۹۳۹ به چاپ رسیده و دو بار در ۱۹۶۹ و ۱۹۷۶ مورد بازبینی نویسنده قرار گرفته، در ۱۹۸۲ صورت گرفته است. مترجم، مدعی است که از روی نسخه‌ی اصلی کتاب، چاپ هفتم قطع جیبی انتشارات «سورکامپ» در سال ۱۹۸۰ [حرف‌نویسی درست این نام، زورکامپ Suhrkamp است] ترجمه کرده، و به‌منظور اطمینان از صحت ترجمه، به ترجمه‌ی «گروهی» انگلیسی هم رجوع کرده است [ترجمه‌ی فرآیند متمدن‌شدن (*Über den Prozess der Zivilisation*) به انگلیسی (*The Civilizing Process*)، کار یک مترجم، ادmond Jephcott]، و ویرایش گروهی اریک دانینگ (*Eric Dunning*) و یوهان گودزبلوم (*Johan Goudsblom*) و استیفن مینل (*Stephen Mennell*) است]. از بررسی مقابله‌ای ترجمه‌ی فارسی با ترجمه‌ی انگلیسی، به نظر می‌رسد، مترجم، تنها به همین ترجمه رجوع کرده و ادعای ترجمه از متن اصلی آلمانی، پذیرفتنی نیست؛ چه، ترجمه‌ی فارسی، طابق النعل بالنعل از ساختار و جمله‌بندی و حتی، واژه-معادل‌گزینی ترجمه‌ی انگلیسی پیروی می‌کند. آنچه از مترجم در مقدمه‌ی ترجمه‌اش می‌خوانیم، از نظر توضیح روش کار، برازنده‌ی ترجمه‌ی اثری کلاسیک نیست. عنوان آلمانی کتاب، *Über den Prozess der Zivilisation*، در هر سه باری که در مقدمه‌ی مترجم آمده، اشتباه، و آنجا که به مناسبت ارائه‌ی شواهدی مبنی بر سختی کار ترجمه‌ی مستقیم از زبان آلمانی، مترجم از یادداشت ویراستاران ترجمه‌ی انگلیسی، نقل قول می‌کند، چیزی دستگیر خواننده نخواهد شد. ویراستاران ترجمه‌ی انگلیسی می‌گویند:

Translation is an imperfect art, and translating Norbert Elias's German into English poses peculiar problems. They arise mainly from his attempt always to write in a *processual* way, minimising the use of static concepts, and also to avoid referring to the 'individual' in the singular and as something separate from other people-what Elias was later to call the *homo clausus* image, prevalent in western thought.

ترجمه: ترجمه اثری اصولاً ناقص است؛ اما ترجمه‌ی کتاب آلمانی نوربرت الیاس به انگلیسی از مشکلات ویژه و خاص دیگری برخوردار است. این مشکلات از آنجا ناشی می‌شود که وی می‌کوشد به نحوی فرآیندی بنویسد و استفاده از مفاهیم ایستا را به حداقل رسانده و از مراجعه به مفاهیمی مانند فرد در حالت مفرد آن و به مثابه‌ی چیزی مجزا و مستقل از سایر افراد -یعنی آنچه که الیاس آن را *homo clausus* (انسان قائم به خویشتن؛

انسان خودبسنده) می‌نامد و در تفکر غرب کاملاً رایج و متداول می‌باشد به شدت پرهیز کند.

ترجمه‌ی پیشنهادی: ترجمه‌ی هنری نیمه‌تمام است، و ترجمه‌ی زبان آلمانی نوربرت الیاس به انگلیسی که دیگر موجب معماهایی عجیب و غریب. مسائلی که پیش می‌آید عمدتاً به دلیل تلاش همیشگی او برای نوشتن به شیوه‌ای درجریان است، نوعی کمینه‌گری در کاربرد مفاهیم ایستا، نیز اجتناب از طرح مفهوم «فرد» جزئی و چیزی بی‌نسبت با دیگر انسان‌ها - آنچه الیاس بعداً آن را تصویر *انسان بسته* نامید، تصویری فراوان‌یاب در تفکر غربی.

مترجم، بدون در نظر گرفتن ریزه‌کاری‌های دستوری، آنچه را از کلیت یک متن، در اینجا یک بند، در می‌یابد، عبارت‌گردانی (paraphrase) می‌کند.

از میان شارحین الیاس، مترجم، تنها به نوشته‌ی هرمان کورته (Hermann Korte) اشاره کرده؛ آن هم در جهت تأیید ایده‌اش مبنی بر خویشنداری و کنترل عاطفی الیاس که گرچه مادر الیاس، سوفی الیاس، در آشویتس کشته شد و لابد باید از اثر این فاجعه چیزی در متن الیاس بنشیند، لیکن او خوددارتر از این حرف‌ها بود که علم در آیدئولوژی بیچند! نشانی کتاب کورته در مقدمه‌ی مترجم، مغشوش است و اگر ملاک کتاب هرمان کورته با عنوان *Norbert Elias: Das Werden eines Menschen* (نوربرت الیاس - شایسته‌ی عنوان *عالم بشر دوست*) باشد، ما با *Menschenwissenschaftlers; On Norbert Elias-Becoming a Human Scientist* ما با شناسه‌ی ارجاع مترجم، آن قول کورته را نیافتیم. مترجم، عنوان فرعی جلد اول و دوم را به- ترتیب به «دگرگونی‌های رفتاری در قشر برتر عرفی (دنیوی) در غرب» و «دگرگونی‌های اجتماعی؛ طرحی برای یک نظریه‌ی تمدن» برگردانده که با توجه به اصل عناوین، درست نیست. عنوان فرعی جلد اول، *Changes in the Behaviour of the Secular Upper Class in the West*، را بهتر است به *تغییرات رفتاری طبقات بالاتر سکولار در غرب* و عنوان فرعی جلد دوم، *State Formation and Civilization*، را به *تمدن و صورت‌بندی دولت* برگرداند. در ترجمه‌ی متون کلاسیک، مترجم، مجاز به دخل و تصرف نیست. آنچه مترجم از وجه مفاهیم و عناوین، تفاوت در تاریخ اجتماعی شکل‌گیری و کاربرد مفاهیم، آورده، درست و منطقی است، لیکن کافی نیست، وافی به مقصود ترجمه‌ی متنی با چنین بار تاریخی سترگ نیست. می‌دانیم که Herr (سرور؛ ارباب؛ Lord)، Ritter (سلحشور؛ شوالیه؛ نجیب‌زاده؛ Vassal)، Herzog (دوک؛ گنت؛ Fief)، و واژه‌های شاخه‌گرفته (derivatives) از این لغات،

Herrschaft (تسلط؛ قدرت؛ حکومت؛ سلطنت)، Herrschen (حکومت کردن؛ تسلط داشتن)، Herrscher (حاکم)، Herrscherhaus (سلسله)، Herrscherin (حکمران زن)، Herzogin (گتیس؛ دوشیس)، و Herzogtum (دوک‌نشین؛ قلمرو دوک) در تاریخ فرهنگی اسلام و ایران، هم‌خوان و برابری ندارد؛ در صورت ترجمه‌ی اثری با چنین بار تاریخی، چه باید کرد؟ بهتر است معادل‌های فارسی انتخابی را برشمرد و بعد از بیان دلایل انتخاب آن‌ها، با رجوع به فهرست برابری‌های کتاب‌های تاریخی و اجتماعی ترجمه‌شده به فارسی، در پانویست، صورت آلمانی، و معادل فارسی و انگلیسی و فرانسه‌ی آن را آورد. مترجم نه تنها این کار اساسی را انجام نداده که از ارائه‌ی فهرست برابری‌های آلمانی و انگلیسی و فرانسه و فارسی در انتهای کتاب هم خودداری کرده است. ترجمه‌ی کتاب، فهرست اعلام، کتاب‌ها، نام‌ها، و جای‌ها ندارد. به جز چند پانویست از مترجم که در مجموع به چهارده سطر مختصر می‌رسد، ترجمه‌ی این اثر اصیل تاریخی، فاقد هرگونه توضیح و افزوده از جهت رفع ابهام یا گرهی از متن است.

یکی از ستیزهای همیشگی بر سر طرح پژوهشی‌یالیاس، به این دقیقه باز می‌گردد که برخی او را صاحب نظریه‌ای محوری در پژوهش‌های تاریخی می‌دانند؛ نظریه‌ای که با مطالعه‌ی تجربی «هر» تاریخی می‌خواند و خصیلتی تبیینی (explanative) دارد (Dunning&Mennell, 2004: 27). برخی دیگر که به الگوی عام جامعه‌شناسی رابطه‌ای اعتقادی ندارند، در عوض، طرح جامعه‌شناختی‌یالیاس را تنها در موقعیت (context)، آن هم با تعیین دقیق مختصات زمانی و مکانی، کارا و مفید می‌دانند. از این نظر، جامعه‌شناسی‌یالیاس، جامعه‌شناسی تاریخی فرآیند متمدن‌شدن «در» فرانسه، و نه هیچ جای دیگر است (Coody, 2003: 69; Mouzeil, 1993: 243). به این ترتیب، در ترجمه‌ی فرآیند متمدن‌شدن به زبان فارسی، و در واقع به هر زبانی، راهی نیست جز اندیشیدن به تاریخ مفاهیم تخصصی کتاب و برگزیدن معادل‌هایی که در عین نمایاندن مغایرت‌های دو تاریخ، مانع دیدن شباهت‌های آن‌ها هم نباشد. اگر بپذیریم که جوامع با وجود تفاوت‌های کمی، تجانس کیفی دارند، یعنی اگر با وجود تفاوت‌های بسیار، جوامع را «از لحاظ کارکردهای بنیادی مانند همکاری برای تولید اقتصاد و همستیزی بر سر توزیع ثروت و ظهور گروه‌های تخصصی و طبقه‌های اقتصادی و برقراری نهادهایی چون نهادهای حکومتی و آموزشی و دینی و سیر از سادگی به پیچیدگی» همانند یافتیم، آنگاه ترجمه‌ی فارسی فرآیند متمدن‌شدن، خود دقیقاً نوعی جامعه‌شناسی تطبیقی فرهنگ است.

مترجم، بی هیچ توضیحی، از ترجمه‌ی دیباچه‌ی (Preface) مفصل نویسنده گذشته است. اگر از ادله‌ی او مبنی بر چشم‌پوشی از ترجمه‌ی جلد اول بگذریم، اینکه دیباچه، پی‌نوشت (Postscript) جامع‌پی‌نوشتی که الیاس آن را در ۱۹۶۸، نزدیک به ۳۰ سال بعد از چاپ اول کتاب، نوشته و حاوی تجدید نظر او در مفاهیمی است که در دیباچه و متن اصلی آمده، و از جهت فهم مضامین کتاب و سیر تطور آراء نویسنده، بس مهم است، پیوست‌ها (Appendices)، و یادداشت‌های آخر فصول نویسنده که بالغ بر ۳۵ صفحه می‌شود، همگی، ترجمه نشده، منطقی به نظر نمی‌رسد و برانزده‌ی ترجمه‌ی اثری کلاسیک نیست. به این ترتیب، می‌توان گفت، ترجمه‌ی فارسی بزرگترین اثر الیاس، ناقص است.

۳.۲

دیباچه‌ی مفصل الیاس بر *فرآیند متمدن شدن* حاوی مضامین اصلی طرح او و از جهت دریافت نظام‌نامه و تأکیدات و پرسش‌های راهبردی کتاب، بسیار اساسی است؛ در دیباچه، الیاس می‌پرسد: چگونه این تغییرات، فرآیند متمدن شدن غرب، عملاً اتفاق افتاد؟ این فرآیند متمدن شدن، مبتنی بر چه الگوهایی بود؟ کدام دلایل یا نیروهای محرک، عامل چنین تغییری بود؟ الیاس، در دیباچه، از تفاوت‌های فرآیند متمدن شدن در آلمان و فرانسه می‌گوید؛ از اینکه *Kultur* آلمانی تا چه اندازه با *civilisation* فرانسوی، بعد از قرون وسطی، و نه تنها در سطح فرهنگ رسمی که در سطوح فرهنگ مادی و فیزیکی نیز، متفاوت بوده است. او پرسش از چنین مسائلی بغرنج را پرمخاطره و مشکوک می‌داند؛ پرسش‌هایی که تنها از طریق انتزاع یا گمانه‌زنی صرف، آن هم وقتی عادت‌واره‌های جسمانی محل پرسش است، و این عادت‌واره‌ها در چارچوب نظم اجتماعی مشخصی شکل گرفته و کار می‌کند، به جایی نمی‌رسد. الیاس معتقد است که واکاوی اسناد تجربه‌ی تاریخی و، از این طریق، شناسایی مسائل اجتماعی، یگانه راه درست پژوهش تاریخی اجتماعی است (Elias, 2000: 10).

الیاس، احساس شرم و خجالت، نیز نازک‌طبعی و انزجار را که در بستری از تحولات عظیم اجتماعی شکل گرفته، آن مرحله‌ی آخر نرم‌افزاری تغییر در فرآیند متمدن شدن می‌داند. به نظر می‌رسد، در این مرحله است که با نرم‌تر شدن مرزهای بیرون و درون، توأم با توسعه‌ی قوای شناختی، راهی از برای شکل‌گیری سوژه‌ی مدرن گشوده خواهد شد. عادت‌واره‌ی (habitus) الیاسی هم بر ساخت بدنی، هم توان ذهنی، و هم البته بر منش و مخصوصاً آنچه در فلسفه‌ی اسلامی، «ملکه» می‌نامند، دلالت دارد؛ عادت‌واره‌ی الیاسی هم

جامعه‌زاد (sociogenic) و هم البته روان‌زاد (psychogenic) است. الیاس موکداً می‌گوید که به موازات تغییر در معیارها و سنجه‌های آنچه جامعه از فرد می‌خواهد و مانع می‌شود، آستانه‌ی دل‌آزردگی و ترس و اضطراب هم تغییر می‌کند، و به این ترتیب، پرسش از ترس-ها و رنجش‌ها یا همان تجربه‌ی اضطراب (جایگاه) اجتماعی شکل می‌گیرد؛ پرسشی که با طرح آن، قدم در وادی پژوهش تاریخی فرآیند متمدن‌شدن می‌نهیم (Elias, 2000: 11). از نظر الیاس، آن اختلاف سطحی که ما، چون ناظر رفتارهای اجتماعی خود و دیگری، بین رفتار «نیخته» و «جافتاده»ی موجودات اجتماعی می‌بینیم، در نتیجه‌ی «زمان» ورود افراد به گذرگاه تمدنی پیش‌گفته است. پرسش از نحوه‌ی رشد روان‌زاد سوژه‌ی اجتماعی، تنها از مجرای واکاوی شرایط امکان تجربه‌ی اجتماعی عبور از آن گذرگاه است که بامعنی، و البته وافی به مقصود پژوهش تاریخی اجتماعی‌ست؛ همین است که الیاس از قواعد بنیادی جامعه‌زاد سوژه‌ها می‌پرسد (ibid.).

در ادامه‌ی مباحث دیباچه، الیاس به شرایط شکل‌گیری آنچه می‌توان اولین ظهور «دولت» نامید می‌پردازد؛ اینکه چه مجموعه‌ای از روابط متقابل اجتماعی، اولاً، زمینه‌ی آنچه نظام فئودالی می‌نامیم و، ثانیاً، سازوکارهای فئودالی‌شدن را فراهم آورده است؛ پرسش از نحوه‌ی صورت‌بندی دولت، متأخر بر بررسی شرایط اجتماعی شکل‌گیری نظام فئودالی‌ست (Elias, 2000: 12-13).

وقتی از پویش و دگرگونی وابستگی‌های متقابل و چندسویه‌ی نیروهای اجتماعی می‌پرسیم، احتمالاً می‌دانیم که پدیده‌ی تاریخی را باید محصولی رفعی از نگره‌های انسانی و نهادهای اجتماعی در نظر آوریم؛ برسیدن یکی در تفریق از دیگری، چیزی جز نوعی پژوهش تاریخی خام نیست. باور به نسبی‌گرایی تاریخی، در نتیجه‌ی نوعی دریافت بی-حرکت (motionless) و فارغ از نگره‌ی «در-گردش-و-پرورش» سوژه‌های تاریخی شکل گرفته است؛ نوعی تلقی خام که بر مبنای درکی از تاریخ طبیعی، نتیجه‌ای جز انتزاعی مصنوع نخواهد داشت. به جای تحویل پرسش‌های تاریخی به نوعی نسبی‌گرایی خام که به چیزی جز پاک کردن صورت مسئله نمی‌انجامد، باید آنطور که الیاس طرح می‌کند، از سامان بنیادی یا می‌توان گفت زیرین دگرگشت (transformation) اجتماعی پرسید، از قواعد (laws) حاکم بر تغییرات و صورت‌بندی ساختارهای تاریخی (Elias, 2000: 13-14).

آنچه برشمردیم، اهم مسائلی‌ست که الیاس در دیباچه‌ی مفصلش بر فرآیند متمدن‌شدن طرح می‌کند، و البته در پی‌نوشت نیز در مفاهیم اساسی دیباچه، «قانون» و «قواعد» و

«سازوکارهای تغییر اجتماعی»، بعد از حدوداً ۳۰ سال، می‌پیچد و با وجودیکه هر دو بخش از نظر دست‌یابی به سیر تطور آراء الیاس، بس مهم و راه‌گشا هستند، به فارسی ترجمه نشده‌اند.

۴.۲ قواعد نگارشی، صوری، و کیفیت چاپ و نشر

ترجمه‌ی فارسی فرآیند متمدن شدن نمونه‌ای است تمام‌عیار از اشتباهات نگارشی و ویرایشی؛ نه تنها در هر صفحه که در هر سطر از این کتاب، خواننده با مجموعه‌ای از اشتباهات نگارشی و ویرایشی روبه‌روست. با این همه اشتباهات، «گروه ویراستاری انتشارات جامعه‌شناسان»، چرا و چطور ترجمه را به چاپ دوم رسانده است؟ نام مکان‌ها و دوره‌ها و اصطلاحات آلمانی، فرانسه، و لاتین که به‌وفور در متن موج می‌زنند، در اغلب موارد، بی‌هیچ انضباطی در ترجمه‌ی فارسی به حال خود رها شده‌اند. اصل آلمانی و فرانسه و لاتین اصطلاحات، حتی نام اشخاص و جای‌ها، در همان متن ترجمه بعد از معادل فارسی، بعضاً بدون نشانه‌ای از پرانتز یا گیومه، آمده‌اند. در بعضی از موارد، عین اصطلاح مخصوصاً فرانسه و لاتین، بدون ترجمه یا حَرْف‌نگاری (transliteration)، در متن ترجمه آمده است. فهرست عناوین اصلی و فرعی، بهم‌ریخته، و بعضاً متناسب با اصل کتاب فرآیند متمدن شدن نیست. معلوم نیست چرا باید اصطلاحی در ترجمه‌ی فارسی، همراه با اصل اصطلاحات و نام‌ها، در گیومه یا پرانتز یا بین خطِ پیوند (hyphen) آمده، شاهد هیچ نظمی از این نظر در ترجمه نباشیم! ترجمه‌ی فارسی فرآیند متمدن شدن از نظر رعایت قواعد نگارشی و ویرایشی، نیز طراحی جلد و تصویر پُشت و روی آن، در شأن ترجمه‌ی اثری کلاسیک نیست.

۵.۲ یک‌دستی و یک‌روندی سیاق ترجمه، و نحوه‌ی واژه‌گزینی و اصطلاح-شناسی

بهرتر است بررسی کیفیت ترجمه‌ی فارسی فرآیند متمدن شدن را از عنوان آن شروع کنیم. عنوان اصلی کتاب به آلمانی چنین است: *Über den Prozess der Zivilisation – Soziogenetische und Psychogenetische Untersuchungen* که در ترجمه‌ی انگلیسی به صورت *The Civilizing Process – Sociogenetic and Psychogenetic Investigations* و در دو

ترجمه‌ی فرانسوی صورت *La civilisation des moeurs* و *La dynamique de l'Occident* درآمده است. مترجم فارسی این عنوان را به «در باب فرآیند تمدن-بررسی‌هایی در تکوین جامعه‌شناختی و روان‌شناختی آن» برگردانده که به نظر درست نیست؛ چه اگر ملاک عنوان آلمانی هم باشد، بهتر است uber را که در اینجا در مقوله‌ی دستوری حرف اضافه و به معنای «درباره‌ی» و «راجع به» آمده، و در زبان انگلیسی با همین کارکرد به on ترجمه می‌شود (چون ترجمه‌ی *Uber Gewissheit* ویتگنشتاین به *On Certainty* و در باب یقین انگلیسی و فارسی)، به صورت ترجمه‌ی انگلیسی برگرداند تا از این حالت نامأنوس درآید. در ترجمه‌ی انگلیسی، به منظور پرهیز از ترجمه‌ای زیاده‌خُشک و تحت‌اللفظی، به جای پیروی از ساختار هم‌نشینی چند حرف اضافه و حرف تعریف فاعلی و حالت ملکی و صورت جمع زبان آلمانی، *Zivilisation* را به *Civilising* برگردانده، ترکیبی خورتد وضعیت دستوری و نوشتاری زبان انگلیسی به دست داده‌اند. از این نظر، فرآیند متمدن‌شدن عنوانی مأنوس و در نتیجه بهتر است. منظور از *soziogenetische* و *psychogenetische* و معادل‌های انگلیسی این اصطلاحات، *sociogenetic* و *psychogenetic*، «شناخت» نیست که در معادل‌های برگزیده‌ی مترجم به صورت «جامعه‌شناختی» و «روان‌شناختی» درآمده؛ هرچند این اصطلاحات با افزوده‌ی «تکوین» همراه شده بلکه رساننده‌ی معنا باشد. چرا این همه پیچ‌وتاب؟ *Sociogenetic* صفت پویه‌شناسی اجتماعی (*sociodynamics*) جامعه‌زادی (*sociogeny*) است؛ بهتر است این صفت را به جامعه‌زاد برگرداند. *Psychogenetic* نیز صفت روان‌پویه‌شناسی (*psychodynamics*) فرآیند روان‌پیدایشی (*psychogenesis*) است؛ بهتر است این صفت را هم، حالا با ملاحظه، به روان‌زاد برگرداند. در نتیجه، ترجمه‌ی پیشنهادی ما چنین است: فرآیند متمدن‌شدن-پژوهش‌هایی در جامعه‌زادی و روان‌زادی آن.

به فهرست مطالب کتاب می‌رسیم؛ اولین عنوان در ترجمه‌ی فارسی، «در باب تکوین جامعه‌ی تمدن غربی» است. معلوم نیست این عنوان، ترجمه‌ی کدام عنوان از فهرست آلمانی یا انگلیسی کتاب است. عنوان جلد دوم ترجمه‌ی انگلیسی، *State Formation and Civilization* و عنوان سرآغاز این جلد یا همان بخش سوم کتاب، *Feudalization and State Formation* است. این هر دو عنوان به فارسی ترجمه نشده است. به بررسی ترجمه‌ی ادامه‌ی فهرست، از ترجمه‌ی انگلیسی، می‌پردازیم:

Survey of Courtly Society

ترجمه: نگاهی به جامعه‌درباری

ترجمه‌ی پیشنهادی: گزارشی از جامعه‌ی دربار
توضیح: survey به معنای بررسی، پژوهش، بازجست، گزارش بررسی و پرس و جو، و در حالت فعل، وارسیدن و بازجستن، چرا باید به «نگاهی» ترجمه شود؟ منظور، چنانکه از محتوای این قسمت از متن هم پر می‌آید، ارائه‌ی بررسی مختصری از جامعه‌ی دربار، و نه «درباری» است.

A Prospective Glimpse at the Sociogenesis of Absolutism

ترجمه: نگاهی کوتاه به تکوین جامعه‌ی مطلقه‌گرایی
ترجمه‌ی پیشنهادی: چشم‌اندازی از جامعه‌پیدایی استبداد
توضیح: مترجم، صفت prospective را به معنای محتمل، بالقوه، و قریب‌الوقوع، در ترکیب a prospective glimpse در درس‌زا یافته تنها glance را به معنی نظری‌انداختن در حالت فعل، و نگاه در حالت اسم، ترجمه کرده است؛ درحالیکه این ترکیب به معنی چشم‌انداز و دورنماست. این معنی با توجه به محتوای این بخش از کتاب هم درست است. «تکوین جامعه‌ی» معادلی درست برای sociogenesis نیست و کمی مصنوع و زیاده‌نام‌نوس است؛ پیشنهاد ما جامعه‌پیدایی و جامعه‌پیدایش است. Absolutism در فلسفه به معنای مطلق‌باوری و مطلق‌انگاری، و در سیاست به معنای استبداد، استبدادباوری، و استبدادخواهی است. با توجه به مضامین این بخش از کتاب، به نظر می‌رسد منظور همان استبداد در معنای سیاسی اصطلاح باشد، و نه «مطلقه‌گرایی» که ترکیبی درست هم نیست.
عنوان بعدی در فهرست ترجمه‌ی فارسی چنین است: «در باب سازوکارهای تکاملی جامعه در قرون وسطی»؛ چنین عنوانی در ترجمه‌ی انگلیسی و اصل آلمانی کتاب وجود ندارد.

Dynamics of Feudalization

ترجمه: ساز و کارهای فتودالیزه شدن
ترجمه‌ی پیشنهادی: پویاشناسی (نظام) فتودالی‌گری
توضیح: ترجمه‌ی dynamics به «سازوکارها» اشتباه است، چه، اگر ترکیبات dynamic culture (فرهنگ پویا)، dynamic linguistics (پویاشناسی زبان)، و dynamic psychology (پویاشناسی روان) را پیش چشم آوریم، و dynamics را در حالت اسم، «علم» پویاشناسی ترجمه کنیم، یعنی علم پویندگی و نیرو(ها)ی پویاش‌آفرین، آنگاه «دینامیسم» را به «سازوکار» برگرداندن، زیاده‌باز و آزاد است. مترجم، جابه‌جا، بدون ملاحظه‌ی حالت

دستوری این لغت، آن را به «سازوکار» برگردانده است. معادل پیشنهادی ما برای feudalization به جای «فئودالیزه‌شدن»، فئودالی‌گری است.

Centralizing and Decentralizing Forces in the Medieval Power Figuration

ترجمه: نیروهای جذب مرکز، و گریز از مرکز در دستگاه حکومتی قرون وسطی
ترجمه‌ی پیشنهادی: کانون‌مداری و کانون‌پراکنی نیروها در شکل‌دهی به قدرت قرون وسطایی.

توضیح: مترجم از ترجمه‌ی figuration گذشته، افزوده‌ی «دستگاه حکومتی» را آورده، صفت medieval را هم به «قرون وسطی» برگردانده است. «نیروهای جذب مرکز و گریز از مرکز»، به نظر نامأنوس می‌آید؛ چطور این نیروها در «دستگاه حکومتی» می‌توانند «جذب مرکز» و «گریز از مرکز» باشند؟ اصلاً کدام «مرکز»؟ «دستگاه حکومتی»؟ منظور، سهمی‌ست کانون‌مدار و کانون‌پراکن که نیروها، نیروهایی که نویسنده در بخش مربوطه از آن‌ها سخن خواهد گفت، در شکل‌دهی به قدرت قرون وسطایی داشتند. در ضمن، لغت medieval در اینجا صفت است؛ این لغت تنها در ترکیب با centuries آن هم با حروف ابتدایی بزرگ، Medieval Centuries، یعنی قرون وسطی. مترجم از آنجا که این لغت در عنوان با حرف بزرگ ابتدایی آمده، آن را به «قرون وسطی» برگردانده که درست نیست.

Some Observations on the Sociogenesis of the Crusades

ترجمه: بعضی تأملات در باب تکوین جامعه‌ی جنگ‌های صلیبی

ترجمه‌ی پیشنهادی: تفاسیری از جامعه‌پیدایی جنگ‌های صلیبی

توضیح: مترجم observations را به «تأملات» برگردانده، حرف اضافه‌ی on را طبق معمول به «در باب»، و sociogenesis را هم به «تکوین جامعه‌ی». observation یعنی مشاهده‌گری و مشاهده و در اینجا، نکته و تفسیر؛ وفق مباحث نویسنده در متن، تفاسیر، معادل درست observations است، و نه «تأملات». some در اینجا نشانه‌ی نکره است و انتقال کارکرد این نشانه به زبان فارسی بهتر است با «ی» باشد، و نه ترجمه‌ی آن به «بعضی»، «مقداری» یا «قدری». اصطلاح sociogenesis را هم چون psychogenesis (روان-پیدایی) بهتر است به جامعه‌پیدایی ترجمه کنیم، و نه «تکوین جامعه‌ی».

The Internal Expansion of Society: The Formation of New Social Organs and Instruments

ترجمه: بسط (توسعه) جامعه در درون، شکل‌گیری ابزارها و اندام‌های جدید اجتماعی

ترجمہی پیشنهادی: قلمروافزایی داخلی جامعہ: صورت‌بندی شاخہ‌های اجرایی و دستگاہ‌های اجتماعی جدید

توضیح: expansion در اینجا، در حوزه‌ی سیاست، به معنای قلمروافزایی است، و نه «توسعه». این لغت در معنایی غیر از حوزه‌ی سیاست یا اعم از این حوزه، معادل با گسترش و بالندگی است، و نه «بسط». صفت internal در اینجا چون ترکیب‌های internal backing (پشتوانہی داخلی؛ در حوزه‌ی اقتصاد) و internal migration (مہاجرت داخلی)، گسترش جامعہ را از مرزهای داخل می‌رساند، و نه از «درون». formation و figuration در متن الیاس جابہ‌جا به کار نمی‌روند کہ ترجمہی آن‌ها ہم بی ملاحظہ‌ی یک‌روندی (consistency)، جایی «صورت‌بندی» و «تکوین» و «شکل‌گیری» باشد و جایی دیگر «شکل‌دهی» و «فُرم-یابی» و «قالب‌بندی». بہتر است formation را بہ صورت‌بندی و figuration را ہم حسب مورد بہ شکل‌دهی و شکل‌گیری برگردانیم. ترجمہی social organs بہ «اندام‌های اجتماعی» زیادہ اسپنسری، زیست‌شناختی و زیستمانی است؛ این ترکیب بہتر است بہ دستگاہ‌های اجتماعی ترجمہ شود. مسلم است کہ منظور الیاس، گسترش داخلی دستگاہ‌های اجتماعی-ست، و نہ «اندام‌های اجتماعی». ترجمہی instruments بہ «ابزارها» درست نیست؛ این لغت در اینجا بہ معنای بخشی از دستگاہ‌های اجرایی داخلی جامعہ، یعنی شاخہ‌های اجرایی است.

Some New Elements in the Structure of Medieval Society as Compared with Antiquity

ترجمہ: در باب بعضی عناصر جدید در ساخت جامعہ قرون وسطایی، در مقایسہ با جامعہ عہد باستان

ترجمہی پیشنهادی: مقایسہی ارکانی جدید از ساختار جامعہی قرون وسطایی با جہان باستان

توضیح: مترجم، چنانکہ قبلاً ہم بیان شد، در ترجمہ بہ فارسی، جابہ‌جا عبارت‌گردانی (paraphrase) می‌کند. «در باب بعضی» حشو است و معادلی در جملہی انگلیسی ندارد. element در اینجا اشارہ بہ بُن‌مایہ‌ای از ساختار اجتماعی دارد کہ بہتر است در حالت جمع، بہ ارکان ترجمہ شود. صفت medieval را مترجم، در اینجا، درست دریافته و بہ «قرون وسطایی» ترجمہ کردہ است. در عہد باستان، آنگونہ کہ از «جامعہ» در قرون وسطی و بعد از آن سخن می‌گوییم، «جامعہ» ای نمی‌یابیم؛ مقایسہی «جامعہ»ی عہد باستان با «جامعہ»ی

قرون وسطایی ممکن نیست! در ضمن، در جمله‌ی انگلیسی هم حالا درست یا غلط، قبل یا بعد از society, antiquity نمی‌بینیم؛ «جامعه‌ی عهد باستان، افزوده‌ی مترجم است.

On the Sociogenesis of Feudalism

ترجمه: در باب تکوین جامعوی فئودالیسم

ترجمه‌ی پیشنهادی: جامعه‌پیدایی فئودالیسم

On the Sociogenesis of Minnesang and Courtly Forms of Conduct

ترجمه: در باب تکوین جامعوی ادبیات تغزلی و آداب معاشرت درباری (جنگجویان)

ترجمه‌ی پیشنهادی: جامعه‌پیدایی ادبیات تغزلی و آشکال درباری رفتار

توضیح: میزآنگ (Minnesang) دوره‌ای است از سنت ادبیات غنایی و شعروترانه‌ی حالت‌سرا در بازه‌ی زمانی قرن دوازده تا چهارده‌ی تاریخ ادبیات «آلمانی»، و میزنگا (Minnesanger)، کسانی که شعر و ترانه‌های غنایی این سنت را می‌نوشتند و اجرا می‌کردند، به نظر به فارسی یا هر زبانی دیگر، قابل ترجمه نیست؛ چه، بنا بر تفاوت‌های عظیم تاریخی اجتماعی که متن الیاس یکسره صرف توضیح خصوصیات جامعه‌پیدایی آن شده، بهتر است این «اصطلاح» (کلمه‌ای که در میان طایفه‌ای از قوم، معنای خاص قراردادی آنان دهد؛ لغت‌نامه‌ی دهخدا) را حَرف‌نویسی (transliteration) کرد. این اصطلاح هم چون دیگر اصطلاحات تاریخی بیشمار متن، در ترجمه، توضیحی ندارد. «آداب معاشرت» در برابر conduct ترجمه‌ای است آزاد که لزومی ندارد. Forms ترجمه نشده و «جنگجویان»ی که در پراتز آمده، حشو است.

On the Sociogenesis of the State

ترجمه: تکوین جامعوی دولت

ترجمه‌ی پیشنهادی: جامعه‌پیدایی دولت

The First Stage of the Rising Monarchy: Competition and Monopolization within a Territorial Framework

ترجمه: اولین مرحله صعود و بالندگی دربار پادشاهی، مبارزات رقابتی و شکل‌گیری

انحصارات در محدوده یک قلمرو واحد

ترجمه‌ی پیشنهادی: مرحله‌ی اولیه برآمدن پادشاهی: رقابت و انحصارگری در

چارچوب سرزمینی

توضیح: مرحله‌ی اولیه در برابر the first stage نسبت به «اولین مرحله»، معادلی بهتر است. «صعود و بالندگی»، وقتی صحبت از برآمدن پادشاهی ست، معادلی مناسب برای rise نیست؛ چه، پادشاهی‌ای که در مرحله‌ی اولیه‌ی رشد اجتماعی ست، چطور «صعود» کرده و «بالندگی» یافته؟ «دربار» در ترکیب «دربار پادشاهی»، حشو است و حتی رهن؛ اینجا بحث از برآمدن پادشاهی ست و نه لزوماً دربار پادشاهی، هرچند با رجوع به محتوای کتاب، نشانی از جامعه‌پیدایی دربار می‌بینیم. «مبارزات رقابتی» و «شکل‌گیری انحصارات» در برابر competition و monopolization بهتر است از این حالت ترجمه‌ی زیاده‌آزاد و می‌توان گفت «زبان‌ویژه» که بیشتر توصیفی ست تا اصطلاحی و دقیق، درآمده، به رقابت و انحصارگری برگردانده شود. مترجم framework را به «محدوده» برگردانده که گرچه اشتباه نیست، لیکن معادل چارچوب، وقتی بحث از سرزمین است، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. منظور از سرزمین در اینجا قلمرویی با حدود و ثغور است.

On the Mechanism of Monopoly

ترجمه: در باب سازوکارهای انحصار

ترجمه‌ی پیشنهادی: سازوکار انحصارگری

توضیح: monopoly در اینجا با همان کارکرد monopolization و در مقام بحث از جامعه-پیدایی انحصار به کار رفته، ترجمه‌ی درست آن انحصارگری ست، و نه «انحصار».

Early Struggles within the Framework of the Kingdom

ترجمه: مبارزات رقابتی اولیه در چارچوب قلمرو پادشاهی

ترجمه‌ی پیشنهادی: اولین درگیری‌ها در چارچوب قلمرو پادشاهی

The Resurgence of Centrifugal Tendencies: The Figuration of the Competing Princes

ترجمه: تقویت مجدد گروه‌های گریز از مرکز: حلقه‌ی رقابت بین شاهزادگان

ترجمه‌ی پیشنهادی: بازخاستن گرایش‌های کانون‌گریز: شکل‌گیری شاهزادگان هم‌آورد

توضیح: عبارت «گریز از مرکز» در برابر centrifugal، حالت دستوری این صفت، نیز معنای آن را چه در اینجا بحث از مضامین تاریخی اجتماعی ست، نمی‌رساند؛ این صفت بهتر است به کانون‌گریز ترجمه شود. «تقویت مجدد» معادل دقیق resurgence نیست، چه، از این لغت، لزوماً برآمدنی «قوی» بر نمی‌آید؛ در عوض، بازخاستن و بازبرآمدن، معادل‌های وفادار resurgence است. ترجمه‌ی tendencies به «گروه‌ها»، وقتی در مباحث اجتماعی society (جامعه؛ انجمن) را در همین معنا به کار می‌برند، درست نیست. tendency را در اینجا باید

به گرایش برگرداند؛ گرایش‌های کنون‌گرایان شاهزادگان از هسته‌ی قدرت. مترجم figuration را به «حلقه» برگردانده که نه تنها اشتباه، بلکه نشانه‌ای است از عدم یک‌روندی در ترجمه. «حلقه» را معمولاً معادل با circle (نیز، دایره؛ جرگه؛ انجمن) می‌گیرند، و نه figuration، مخصوصاً در مباحثی از فرآیند متمدن‌شدن! competing در اینجا به معنای رقیب، صفتی است از شاهزادگان و در واقع، روابط بین آن‌ها؛ ترجمه‌ی آن به «رقابت» درست نیست.

The Last Stages of the Free Competitive Struggle and Establishment of the Final Monopoly of the Victor

ترجمه: آخرین مرحله‌ی مبارزات رقابتی آزاد و انحصار قطعی برای فرد پیروز
ترجمه‌ی پیشنهادی: مراحل آخر زورآزمایی آزاد رُقبا و برقراری انحصار قدرت نهایی
فاتح

توضیح: صورت جمع stages به فارسی ترجمه نشده است. دقت یا عدم دقت در ترجمه‌ی چنین مواردی جزئی، از ترجمه‌کاری سودمند یا زیان‌بار می‌سازد؛ چه، ممکن است آوردن صورت جمع یا مفرد اسمی، عطف به مباحثی مهم در سطور پیش صورت گرفته باشد. بهتر است صفت «آزاد» را بعد از «زورآزمایی» آورد؛ یعنی تا قبل از انحصار قدرت در دست فاتح، و نتیجتاً منع و پیگرد متخاصمین، انگار فضایی از برای زدوخورد فراهم بوده؛ ترکیب زورآزمایی آزاد رُقبا به جای «مبارزات رقابتی آزاد»، به همین دلیل پیشنهاد شده است. مترجم establishment را به «قطعی» برگردانده که درست نیست؛ چه، نمی‌دانیم آیا برقراری انحصار قدرت فاتح، قطعی است یا نه. مترجم صفت final را از قلم ترجمه انداخته یا شاید در انتخاب صفت «قطعی» به عنوان معادلی برای establishment، این صفت را هم «مکنیه» در نظر داشته است.

The Power Balance within the Unit of Rule: Its Significance for the Central Authority-The Formation of the 'Royal Mechanism'

ترجمه: توزیع و موازنه‌ی قدرت در درون واحد حاکمیتی. اهمیت آن برای قدرت مرکزی. شکل‌گیری "سازوکارهای پادشاهی"
ترجمه‌ی پیشنهادی: همترازی قدرت در واحد فرمانروایی: اهمیت آن برای قدرت مرکزی-صورت‌بندی «سازوکارهای پادشاهی»

توضیح: ترجمه‌ی balance به «توزیع و موازنه» درست نیست؛ معادل این لغت در فارسی، تراز، ترازمندی، همترازی، تعادل، و در مواردی، جمع‌بندی است. power balance یا

balance of power چون balance of terror (همترازی وحشت) و balance of trade (تراز بازرگانی) و balance of payment (تراز پرداخت‌ها)، بهتر است به همترازی قدرت ترجمه شود. ترجمه‌ی within به «در درون» درست نیست؛ یکی از این دو، «در» یا «درون»، اضافه است! ترجمه‌ی rule به «حاکمیتی» درست نیست، و احتمالاً خواننده‌ی ترجمه‌ی فارسی گمان به ترجمه‌ی governmental یا governorship می‌برد. در ضمن، حکومتی یا کشوردارانه، صورت درست «حاکمیتی» در زبان فارسی ست. rule در اینجا معادل با فرمان-روایی (نیز، دوران فرمان‌روایی) است و همراه با ruler (فرمان‌روا، حُکمران)، rule of law (قانون‌روایی؛ حکومت قانون) و ruling class (طبقه‌ی فرمان‌روا) در متن اصلی کتاب آمده است.

On the Sociogenesis of the Monopoly of Taxation

ترجمه: تکوین جامعوی انحصار مالیات‌ها
ترجمه‌ی پیشنهادی: جامعه‌پیدایی انحصار مالیات‌بندی
توضیح: از ترکیب نام‌نوس «تکوین جامعوی» در برابر sociogenesis گذشته، مترجم taxation را که در اینجا به فعالیت معمولاً حکومتی مالیات‌گزارانه اشاره دارد، به «مالیات‌ها»، آن هم به صورت جمع، برگردانده که درست نیست.

Synopsis: Towards a Theory of Civilising Processes

ترجمه: جمع‌بندی: طرح یک نظریه‌ی تمدن
ترجمه‌ی پیشنهادی: چکیده: نظریه‌ی درباره‌ی فرآیندهای متمدن‌شدن
توضیح: معادل synopsis در زبان فارسی و عربی، چکیده، فشرده، خلاصه، مُجْمَل، مُلَخَّص و تَلْخِیص است، و در زبان انگلیسی، هم‌معنا با epitome (مَظْهَر؛ مَثَلِ اَعْلَى؛ تَجَلِّی)، summary (خلاصه)، outline (طرح کُلِّی؛ رِئُوسِ مَطالِب)، abstract (خلاصه، چکیده) و digest (چکیده، فشرده)؛ معادل «جمع‌بندی»، زیاده آزاد است. رویه‌ی مترجم فارسی، که از ترجمه‌ی دقیق عبارات متنی کلاسیک دور است، ترجمه بر حسب محتوا و منظور است، و نه عین عبارات و اصطلاحات. گفتن ندارد که ترجمه‌ای چنین آزاد و رها از قید متنی کلاسیک، حتی اگر از عدم یک‌رَوَندیِ برابرهای فارسی بگذریم، نمی‌تواند پایه و مایه‌ی فکری نویسنده را منتقل کند. نویسنده‌های کلاسیک، هر کدام زبانی ویژه دارند. با این نوع از ترجمه، زبان فارسی فی‌المثل الیاس، آدورنو، بوردیو و گیدنز، همه هم‌تراز و یک‌شکل از آب در می‌آید. towards در ترجمه به فارسی، از آن حروف اضافه‌ی دردرساز است!

مترجم از ترجمه‌ی این حرف گذشته. در اینجا towards برابر با عبارت for the purpose of و به معنای به‌منظور، به‌خاطر، و برای است؛ می‌توان این حرف اضافه را تعبیر به «مطلوب چیزی یا کسی» کرد. منظور، نظریه‌ای است مطلوب درباره‌ی فرآیند متمدن‌شدن. مترجم processes را جا انداخته، ترجمه نکرده است، غافل از اینکه هرچه الیاس در این کتاب گفته، همه از «فرآیند» است.

The Social Constraint towards Self-Constraint

ترجمه: از الزام‌های اجتماعی تا خود-الزامی

ترجمه‌ی پیشنهادی: از بازدارنده‌ی اجتماعی تا خود-بازدارندگی

توضیح: اسم constraint (مَحْظُور، قید، محدودیت) بعد از صفت social در صورت مفرد آمده؛ مترجم احتمالاً از آنجا که این اسم بعد از صفت اجتماعی (جمعی) آمده، آن را در حالت جمع در نظر گرفته و به «الزام‌ها» برگردانده. «الزام» بر آن وجه بیرونی فشار و قید و محدودیت و اجبار دلالت دارد؛ بهتر است وقتی منظور، قید و محذور درونی یا فوق مباحث الیاس، قید و اجبار درونی شده است، آن را به خود-بازدارندگی ترجمه کرد. به این ترتیب، ترجمه‌ی مناسب self-constraint در بحث از فرآیند متمدن‌شدن، خود-بازدارندگی-ست.

Spread of the Pressure for Foresight and Self-Constraint

ترجمه: گسترش و بسط الزام به آینده‌نگری و خود-الزامی

ترجمه‌ی پیشنهادی: گسترش فشار از برای پیش‌نگری و خود-بازدارندگی

توضیح: آوردن «بسط» بعد از «گسترش» حشو است. ترجمه‌ی pressure به «الزام»، در حالیکه در همان سطر self-constraint را هم به «خود-الزامی» ترجمه کرده‌ایم، نشانه‌ی عدم توجه به، از لفظ گذشته، مضامین کتاب است. چنانکه آمد، pressure اینجا دیگر مُصَرَّح بر قید و محدودیت و فشار بیرونی دلالت دارد و constraint در ترکیب self-constraint بر خود-بازدارندگی.

Diminishing Contrasts, Increasing Varieties

ترجمه: تقلیل تضادها، گسترش و تنوع میدان عمل

ترجمه‌ی پیشنهادی: کاهش دشمنی‌ها، افزایش امکانات

توضیح: منظور از contrasts در اینجا oppositions، و فوق مباحث این بخش از کتاب، دشمنی‌هاست. مترجم increase را به «گسترش و تنوع» برگردانده و varieties را به «تنوع

میدان عمل». به نظر می‌رسد، با ترجمه‌ی varieties به امکانات و برقراری نظم‌ی مقارنه‌ای بین دو معادل کاهش و افزایش، دیگر مشکل عبارت‌گردانی مترجم را نداریم.

The Courtization of the Warriors

ترجمه: درباری‌شدن جنگجویان (فارسان)

ترجمه‌ی پیشنهادی: تأدیب جنگجویان

توضیح: مترجم انگلیسی فرآیند متمدن شدن با court در دو معنای دربار (نیز، درباریان) و ادب (نیز، تربیت، نزاکت) بازی‌ای دوگانه کرده است. وفق مضامین کتاب، با گسترش آداب درباری (Court Etiquette) - به واسطه‌ی حضور اشراف در جامعه و سرایت ناگزیر ادب درباری ایشان به لایه‌های بالایی جامعه و بعد، دیگر لایه‌ها، یا ورود جنگجویان به دربار و تعلیم پاره‌ای از آداب حضور - جنگجویان نیز آداب می‌آموزند و طبق رویه‌ی خود - بازدارندگی، آن آداب درونی شده را به کار می‌بندند. به این ترتیب، مترجم انگلیسی با استفاده از امکان ترکیب‌سازی، courtization را که همزمان حامل دو معنای پیش‌گفته است، ساخته، و در ترجمه به فارسی، تنها می‌توان آن را به تأدیب برگرداند.

The Muting of Drives: Psychologization and Rationalization

ترجمه: تعدیل سوانق، روان‌شناسی‌گرایی و عقلانی‌کردن

ترجمه‌ی پیشنهادی: تحوّل رانه‌ها: ذهنیت‌گری و منطقی‌گری

توضیح: mute در اینجا به معنای «ابدال» یا «جهش» زیست‌شناختی است؛ اینکه چطور رانه‌ها با کنترل، چه به دلیل الزام بیرونی و چه بعد از آن طی فرآیند خود-بازدارندگی، چون «رانه‌ی (محرک) فرآیند خردپذیرگری و خردمندانه‌رفتار کردن، عمل می‌کنند. به این ترتیب، ترجمه‌ی mute به «تعدیل» درست نیست؛ باید آن را به تحول یا ابدال برگرداند. Psychology علاوه بر «روان‌شناسی»، به معنای روان و ذهنیت نیز آمده و مترجم فارسی، آن را به اشتباه به «روان‌شناسی‌گرایی» ترجمه کرده است؛ ترکیبی نامأنوس که معلوم نیست «روان‌شناسی» کجای فرآیند روان‌پیدایی (psychogenesis) افراد حین فرآیند متمدن شدن جای دارد! مترجم «عقلانی کردن» را با rationalization برابر گرفته که درست نیست؛ این اصطلاح تخصصی فلسفی جامعه‌شناختی را باید به عقلی‌گری، منطقی‌گری، دلیل‌آوری و توجیه، و بهسازی و ایجاد توازن ترجمه کرد.

Increasing Constraints on the Upper Class: Increasing Pressure from Below

ترجمه: محدودیت بیشتر برای قشر برتر. تشدید فشار قشر پائین به سمت بالا و بالندگی آن

ترجمه‌ی پیشنهادی: افزایش بازدارنده‌ها بر طبقه‌ی بالا(تر): فشار فزاینده از پائین توضیح: مترجم هرآنچه را سخت می‌یابد، فوراً عبارت‌گردانی می‌کند و در این بازگزاری متن تخصصی انگلیسی به فارسی، هرآنچه اصطلاح و ترم فلسفی و جامعه‌شناختی است، هدر می‌رود. مترجم constraints را که قبلاً به «الزام‌ها» برگردانده بود، اینجا به «محدودیت» برگردانده، به صورت جمع این لغت هم توجهی نکرده است. ترجمه‌ی class به «قشر»، آن هم در متنی جامعه‌شناختی، درست نیست. مترجم جابه‌جا class و state را به «قشر» و «طبقات» برگردانده است. گفتن ندارد که strata را باید به قشرها و stratification را به لایه-بندی ترجمه کرد؛ چنانکه ترجمه‌ی درست class، طبقه، و state-در متن و زمینه‌ی مباحث تاریخی جامعه‌شناختی الیاس، مَلّاک و دولت و حکومت (government) و کشور و ایالت است. ترجمه‌ی below به «قشر پائین» درست نیست. معلوم نیست عبارت «به سمت بالا و بالندگی آن»، ترجمه‌ی کدام بخش از جمله، و به چه دلیل است؟

۳. نتیجه‌گیری

بدیهی‌ست که بررسی مقابله‌ای چهارصد صفحه ترجمه، در این محدوده، برای ما ممکن نیست. از این رو، تا آنجا که در توان بود، به بررسی ترجمه‌ی مفاهیم و اصطلاحات کلیدی متن پرداختیم. در نتیجه، اگر این بررسی را مظنه‌ای از آنچه در سایر بخش‌های ترجمه هم می‌آید بگیریم، آنگاه باید فکری به حال ترجمه‌ی فرآیند متملن‌شدن به زبان فارسی کرد. هرچند، نه بر سیل چنین نتیجه‌گیری‌هایی، بلکه تحقیقاً، درست در هر صفحه از ترجمه‌ی فارسی می‌توان ترجمه‌ای خوب و منظم خواند، و به مترجم آفرین گفت. مترجم در آن بخش‌ها که به ترجمه‌ای معنا-محور پرداخته، موفق بوده است؛ ترجمه‌ای که با گوش سپردن به آهنگ جمله‌ها، از کلیت متن و به فارسی درآوردن مفهوم کلی متن، غافل نمی‌ماند: نوعی دیالکتیکِ کُل و جزء در ترجمه.

باری، ترجمه‌ی فارسی فرآیند متملن‌شدن بر پایه‌ی معیارهایی چون یک‌رَوَندی ترجمه، نحوه‌ی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی، قواعد صوری و کیفیت چاپ، نیز روش مترجم در ترجمه، ایراد اساسی پُرشمار دارد؛ در مجموع، تلاش مترجم برای به دست دادن ترجمه‌ای همسنگ با اثری کلاسیک، موفق نبوده است. آنچه از خطاهای ترجمه در محدوده‌ی این

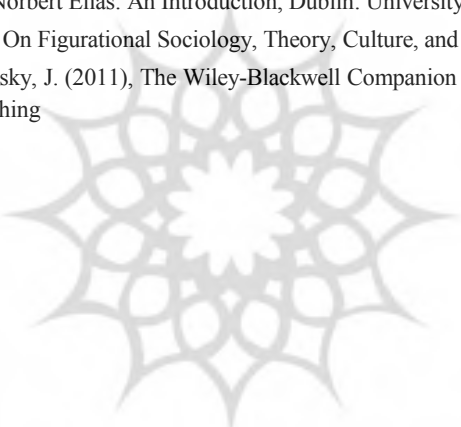
نوشته برشمردیم، نشان می‌دهد که ترجمه نیاز به بازبینی و ویرایش و در مواردی ترجمه‌ی دوباره دارد. یک‌روندی ترجمه، آن هم در ترجمه‌ی متنی کلاسیک، موضوعی نیست که به سادگی برگزار کرد. اگر می‌خواهیم از بزرگ‌ترین اثر یکی از برترین اذهان جامعه‌شناسی، نسخه‌ای به فارسی داشته باشیم، ترجمه‌ی فعلی نیاز به بازنگری جدی دارد. امیدواریم همراه با رفع خطاهای ترجمه، و ویرایش دوباره‌ی *فرآیند متملن شدن*، جلد اول، دیباچه، پی‌نوشت، پیوست، و یادداشت‌های کتاب هم به فارسی ترجمه شود تا شاهد ترجمه‌ای کامل از این کتاب کتابستان باشیم.

کتاب‌نامه

- ادگار، اندرو، سجویک، پیتر (۱۳۸۹)، *متفکران برجسته‌ی نظریه‌ی فرهنگی*، مسعود خیرخواه، چاپ اول، تهران: آگه
- الیاس، نوربرت (۱۳۹۷)، *در باب فرآیند تمدن، بررسی‌هایی در تکوین جامعه‌شناختی و روان‌شناختی آن*، غلامرضا خدیوی، چاپ دوم، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
- بلاشوو، موریس، دومان، پل، باتلر، جودیت (۱۳۹۳)، *لذت خیانت*، نصرالله مرادیانی، چاپ دوم، تهران: بیدگل
- هنیش، ناتالی (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی نوربرت الیاس*، عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ اول، تهران: نشر نی

- Bod, Rens (2013), *A New History of the Humanities, The Search for Principles and Patterns from Antiquity to the Present*, United Kingdom: OXFORD
- Dechaux, J. H. (1995), *Sur le concept de configuration: Quelques failles dans la sociologie de Norbert Elias*, *Cahiers Internationaux de Sociologie* 99, 293–313
- Delanty, G. and Isin, E. F. (2003), *Handbook of Historical Sociology*, London: Sage Publication
- Depelteau, F. and Savoia, T. (2013), *Norbert Elias and Social Theory*, United States: Palgrave Macmillan
- Depelteau, Francois (2018), *The Palgrave Handbook of Relational Sociology*, Canada: Laurentian University
- Dolezal, Luna (2015), *The Body and Shame, Phenomenology, Feminism, and the Socially Shaped Body*, Lanham: Lexington Books
- Dubet, F. (1994), *Sociologie de l'experience*, Paris: Seuil
- Dunning, E. and Mennell, S. (2003) *Norbert Elias*, London: Sage Publications, 4 vols
- Elias, N. and Dunning, E. (1986), *Quest for Excitement: Sport and Leisure in the Civilizing Process*, Oxford: Basil Blackwell
- Elias, Norbert (1985), *The Loneliness of Dying*, Oxford: Basil Blackwell

- Elias, Norbert (1991), *The Society of Individuals*, Oxford: Basil Blackwell
- Elias, Norbert (1991), *The Symbol Theory*, London: Sage
- Elias, Norbert (1992), *Time: An Essay*, Oxford: Basil Blackwell
- Elias, Norbert (2000), *The Civilising Process, Sociogenetic and Psychogenetic Investigations*, tr. Edmund Jephcott, Oxford: Blackwell Publishing
- Goody, J. (2003), 'The 'Civilizing Process' in Ghana', *European Journal of Sociology* 44, 61–73
- Goudsblom, Johan (1977), *Sociology in the Balance*, Oxford: Blackwell
- Gouldsblom, J. and Mennell, S. (1998), *The Norbert Elias Reader, A Biographical*
- Kilminster, Richard (2007), *Norbert Elias, Post-Philosophical Sociology*, Abingdon: Routledge
- Korte, Hermann (2017), *On Norbert Elias, Becoming a Human Scientist*, tr. Stefanie Affeldt, Munster: Springer
- Lepenes, Wolf (1978), *Norbert Elias: An Outsider Full of Unprejudiced Insight*, *New German Critique* 15, 57–64
- Mennell, S. (1992), *Norbert Elias: An Introduction*, Dublin: University College Dublin Press
- Mouzelis, N. (1993), *On Figurational Sociology, Theory, Culture, and Society* 10, 239–253
- Ritzer, G. and Stepnisky, J. (2011), *The Wiley-Blackwell Companion to Major Social Theorists*, Blackwell Publishing



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی